

# سایه زوشتن تفاوت‌های فردی

مرجان زارع هرفته



**معرفی: «علی اصغر احمدی»**

دارای دکترای روانشناسی از دانشگاه تربیت مدرس، عضو هیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه تهران تا سال ۸۷ و مشاور وزیر آموزش و پرورش در امور خانواده است. او تاملات روانشناسی خود درباره خانواده، ازدواج، روابط دختر و پسر و نوجوانان را در قالب کتاب، مقاله و ترجمه منتشر کرده است. برای شنیدن نظرات دکتر احمدی گفت‌وگویی تلفنی با ایشان انجام شده است که پر از نکات خواندنی برای کسانی است که با دانش‌آموزان تعامل دارند.

اما در عمل ما با این مساله که دنیای روانی آدم‌ها به خوبی در سیستم آموزش و پرورش مدنظر قرار بگیرد، فاصله زیادی داریم. علت اصلی آن هم این است که معلم‌های ما آموزش‌های کافی برای توجه به این ابعاد را نمی‌بینند. معلم باید به گونه‌ای باشد که بتواند تفاوت آدم‌ها را بشناسد. از معلمان پرسید، می‌شود تفاوت‌های بچه‌ها را در یک دسته‌بندی علمی ارائه دهید؟ یا علاوه بر ویژگی‌هایی مثل، دختر و پسر، شهری و روستایی، بیش‌فعال و گوشه‌گیر بودن، تقسیم‌بندی دیگری دارید؟ هر معلمی باید بتواند حداقل یک ساعت

راجع به تفاوت‌های فردی حرف بزند.

من در حال حاضر معتقد هستم معلم‌های ما چون آموزش‌های لازم را ندیده‌اند، به موضوع تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان اشراف کافی ندارند.

**باور دارم اگر انسان کاری را با عشق و علاقه انجام دهد، تمام استعدادش را خرج آن می‌کند و تمام امکانات بالفعل می‌شود، ولی اگر علاقه نباشد از استعدادهایشان استفاده نمی‌کنند.**

**منظورتان از آموزش‌های لازم چیست؟**

بعد از انقلاب با توسعه دانشگاه‌ها طرز تفکری به وجود آمد مبنی بر اینکه چرا برای تربیت معلمان سرمایه‌گذاری

**الگوی آموزشی مدارس ایران تا چه میزان به تفاوت‌های فردی به‌عنوان یک اصل توجه دارد؟**

اگر صحبت بر سر چیزی که در عمل رخ می‌دهد، به میان آید یک بحث است و اگر صحبت بر سر برنامه، سند چشم‌انداز و مسائلی از این دست باشد، جواب متفاوت است. بدین معنا که آنچه در آموزش و پرورش به صورت نظری گفته می‌شود با چیزی که در عمل اتفاق می‌افتد، تفاوت‌هایی دارد. در سند تحول بنیادین نظام، تفاوت‌های فردی مورد بحث قرار گرفته است. مثلاً، درباره مدرسه می‌گوید، مدرسه

باید دارای ظرفیت پذیرش تفاوت‌های

فردی، کشف و هدایت

استعدادهای متنوع فطری

باشد. همچنین پاسخ‌گویی

به نیازها، علایق و رغبت

دانش‌آموزان در راستای

مصالح و چارچوب نظام

جمهوری اسلامی از جمله

وظایف مدرسه به‌شمار می‌رود.

در ویژگی‌های پرورش‌یافته‌گان مدنظر این سند نیز توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی، به‌ویژه هویت جنسی دانش‌آموزان و تفاوت‌های شهری و روستایی بیان شده است.



من سرفصل‌ها را قبول دارم، اما اگر معلمی مطلب را خوب فهمیده باشد، راحت و ساده آموزش می‌دهد. مثلاً، معلم می‌تواند از بچه‌ها بپرسد پیشنهاد می‌کنید چطور این درس را با هم یاد بگیریم؟ من معمولاً با توجه به وقت اجازه می‌دهم بچه‌ها در پیچیده‌ترین مطالب به صورت پرسش و پاسخ مشارکت کنند. بگذاریم بچه‌ها کمی حرف بزنند!

### پرداختن به تفاوت‌های فردی با افزایش سن یا با سطح مقطع تحصیلی تغییر پیدا می‌کند؟

بچه‌ها از روزی که به دنیا می‌آیند یک جور گریه می‌کنند و واکنش نشان می‌دهند و غیر از تفاوت‌های جزئی، با شباهت زیادی متولد و به مرور متفاوت‌تر می‌شوند. این اتفاق، هم تحت‌تاثیر شکوفاشدن ذخایر ژنتیکی، هم آموزش‌ها و تربیت‌هایی که می‌بینند، می‌افتد. پس هرچه از بدو تولد به طرف سنین بالا می‌رویم، تفاوت‌ها علاوه بر آشکار شدن، زیادتر می‌شود. مثل خطوطی که از یک نقطه منشعب شده‌اند، هرچه به سمت جلو می‌روند به دلیل واگرایی، فاصله بیشتری می‌گیرند. بنابراین تابع سن، در تجلی تفاوت‌های فردی موثر است.

حال آموزش و پرورش ما با تدریس معلم محور، بیشتر یک آموزش و پرورش دخترانه و کلام محور است تا پسرانه! از همین رو ما با افت تحصیلی پسران مواجه هستیم چون آموزش و پرورش ویژگی پسرها را در نظر نگرفته است.

چند ساله بکنیم و به دانشجویان متقاضی معلمی حقوق بدهیم که دوره تحصیلی آنان جزو سابقه کاری آنان به‌شمار بیاید؛ درحالی‌که می‌توانیم فارغ‌التحصیلان آموزش دیده در رشته‌های مختلف را به کار بگیریم، سپس برای آن‌ها آموزش ضمن خدمت یا بدو خدمت بگذاریم. این طرز تفکر موجب شد در بسیاری از موارد جذب معلمان از مسیری غیر از تربیت معلم اتفاق افتد و با توجه به این که آموزش‌های ضمن خدمت اکثراً حالت تشریفاتی دارد، معلمان در زمینه مطالبی چون تفاوت‌های فردی، از پختگی و تجربه کافی برخوردار نمی‌شوند.

### به غیر از معلمان و نداشتن تجربه و اطلاع کافی آن‌ها، چه عوامل دیگری دخیل هستند؟

در مساله تفاوت‌های فردی تنها نباید روی معلم متمرکز بود. بلکه باید ببینیم آیا نگاه فرهنگی ما تفاوت‌ها را می‌بیند یا خیر. آیا در آثار بزرگان، ادیبان و متفکرین ما تفاوت‌های فردی دیده شده یا نه، مشاهده آثار نشان می‌دهد نحوه قضاوت و صحبت با همه یک جور است. مثلاً، مساجد و منابر یکی از جاهایی است که آموزش مردم را عهده‌دار هستند، می‌بینید از بچه ۲ ساله تا پیرمرد ۸۰ ساله نشست‌اند و سخنران با همه این افراد با یک زبان صحبت می‌کند، و این یعنی حذف تفاوت‌های فردی. در حالی‌که پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: ما انبیا با مردم به اندازه عقلشان صحبت می‌کنیم. این یعنی فرهنگ اسلامی برخلاف فرهنگ سنتی به تفاوت‌های فردی توجه می‌کند. پس برای توجه به تفاوت‌های فردی باید آدم‌ها را دسته‌بندی و متناسب با سطح فکر و نیازهاشان صحبت کرد.

### می‌توان گفت، کتاب‌ها و سرفصل‌های آموزشی در مقاطع مختلف به این اصل توجه ندارند؟

بله. برای هر درسی کتابی واحد نوشته و ارسال می‌شود. این کتاب، هم می‌تواند ساختاری داشته باشد که تفاوت‌های فردی را ببیند، هم نه. اما در واقع کتاب‌ها چندان منعطف نوشته نمی‌شوند، هر چند مولفین و برنامه‌ریزان درسی به مساله تفاوت‌های فردی توجه می‌کنند، اما به‌گونه‌ای نیست که بتوان هر بچه را با توجه به ویژگی خاص خودش آموزش داد. اگر محتوای مطالب بر اساسی باشد که هر بچه‌ای با توانمندی خودش با آن ارتباط برقرار کند و به فهم لازم برسد، آن وقت تفاوت‌های فردی دیده می‌شود.

ما یک سری سرفصل‌های آموزشی داریم که دست و پا گیر هستند.



ما در عمل ما با این مساله که دنیای روانی آدم‌ها به خوبی در سیستم آموزش و پرورش مدنظر قرار بگیرد، فاصله زیادی داریم. علت اصلی آن هم این است که معلم‌های ما آموزش‌های کافی برای توجه به این ابعاد را نمی‌بینند. معلم باید به‌گونه‌ای باشد که بتواند تفاوت آدم‌ها را بشناسد.

### تفاوت‌های فردی میان دختران و پسران، چه تاثیری در روند تربیتی آنان دارد؟

از مسائلی که در آموزش و پرورش ما مورد توجه قرار نگرفته، همین تفاوت جنسیت است. میان دختر و پسر تفاوت‌های زیادی وجود دارد؛ البته بعضی از روان‌شناسان معتقد هستند که جامعه این تفاوت‌ها را به کودکان تحمیل می‌کند و در واقع چنین چیزی وجود ندارد. اما من معتقدم تفاوت‌های وابسته به جنسیت جنبه طبیعی و ذاتی دارد. به‌طور مثال دخترها از لحاظ شنوایی، ارتباط و مهارت کلامی از پسرها قوی‌تر هستند و زودتر به حرف می‌آیند. در صورتی که پسرها اغلب دیرتر این توانایی را پیدا می‌کنند و در بیان مقصود خود مشکلاتی دارند. همچنین ذخایر کلامی کمتری نسبت به دخترها دارند. حال آموزش و پرورش ما با تدریس معلم‌محور، بیشتر یک آموزش و پرورش دخترانه و کلام‌محور است تا پسرانه! از همین رو ما با افت تحصیلی پسران مواجه هستیم چون به ویژگی آن‌ها بی‌توجه بوده‌ایم.

مدیر محیط آموزشی، مدیریت فضای آموزشی را برعهده دارد نه مدیریت آدم‌ها را. تفاوت مدیریت فضا و آدم‌ها را هنگام به ورود به کتابخانه و اینکه ناخودآگاه آرام می‌شویم، می‌توان فهمید، این یعنی مدیریت روانی و اجتماعی فضا.

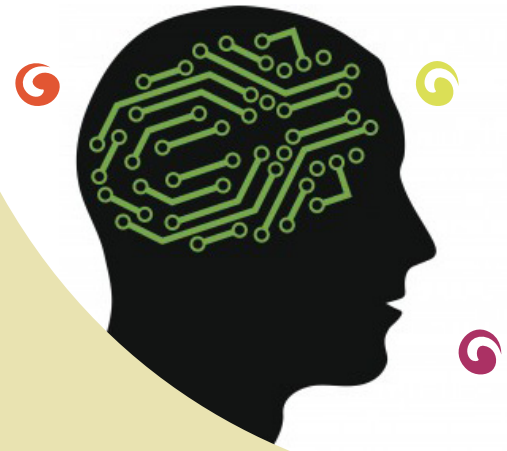
### توجه به ویژگی‌های پسرانه در آموزش چگونه اتفاق می‌افتد؟

همان‌طور که گفته شد پسرها در مقایسه با دختران مهارت کلامی کمتری دارند و بیشتر به کارهای عملی و بازی علاقه دارند. پسرها تحرک‌محور هستند. آموزش آن‌ها نسبت به دخترها باید با تحرک بیشتری همراه شود یا می‌توان از تصویر استفاده کرد، زیرا آن‌ها از لحاظ بصری قوی‌تر هستند مثلاً، در بیان موضوع تاریخی برای دخترها تنها کافی است، تعریف کنید تا با تصویرسازی خوبی که دارند؛ متوجه مطلب شوند. اما بهتر است به پسرها فیلم و تصویر نشان داد.

### تشویق و تنبیه در آموزش چه جایگاهی دارد؟

باید ببینیم چه چیزی برای چه کسی تشویق و برای چه کسی تنبیه است. من سال ۱۳۴۰ وارد دبستان شدم، می‌دیدم تشویق و تنبیه‌ها روی افراد مختلف، تاثیرات متفاوتی دارد. ناظم موقع تنبیه ما را با چوب می‌زد و بدون اینکه بداند چرا، فقط این کار را برای آزار بچه‌ها انجام می‌داد. در واقع اسم بعضی از این تنبیه‌ها شکنجه بود، زیرا آگاهی‌دهنده نبود. بچه‌ای مثل من از تنبیه می‌ترسید و اگر یک دانه چوب می‌خورد کلی آه و ناله می‌کرد. ولی برخی از بچه‌ها می‌خواستند جلوی دیگران قیافه بگیرند و به بچه‌های دیگر نشان دهند ما خیلی قوی هستیم، وقتی تنبیه می‌شدند نه تنها آه‌وناله نمی‌کردند بلکه وقتی ناظم می‌زد، دستشان را می‌انداختند و آن یکی دست را بالا می‌بردند. این چوب‌زدن برای امثال من تنبیه و برای امثال آن‌ها تشویق بود! در زمان ما تشویق حداکثر نمره و تنبیه چوب بود، تنها جایزه‌ای که من در آن دوران گرفتم یک خودکار با کیفیت نازل بود که جوهر آن تمام لباسم را کثیف کرد. در حال حاضر تشویق و تنبیه‌ها فرق کرده است اما همچنان متناسب با شخصیت افراد نیست.

پس هرچه از بدو تولد به طرف سنین بالا می‌رویم، تفاوت‌ها علاوه بر آشکار شدن، زیادتر می‌شود. مثل خطوطی که از یک نقطه منشعب شده‌اند، هرچه به سمت جلو می‌روند به دلیل واگرایی، فاصله بیشتری می‌گیرند. بنابراین تابع سن، در تجلی تفاوت‌های فردی موثر است.



### خانواده‌ای که علاقه فرزندشان در مسیری است که علاقه‌ای به آن ندارند را چطور متقاعد می‌کنید؟

با دادن توضیحات لازم درباره این موضوع و شنیدن دیدگاه‌های خانواده، سعی می‌کنم اگر علاقه‌مندی و گرایش بچه با ارزش‌های خانواده و فرهنگ اجتماعی ما در تعارض نیست، متقاعدشان کنم که این تفاوت را ببینند و رصد کنند. البته ممکن است الان فرزندشان تحت تاثیر شرایط، جوگیر شده و علاقه‌ای را نشان دهد که چند وقت دیگر حتی دنبالش هم نرود. اما پیشنهاد من به خانواده این است که در حال حاضر چون فرزندشان علاقه‌مند شده است، با او همراه شوند. باور دارم اگر انسان کاری را با عشق و علاقه انجام دهد، تمام استعدادش را خرج آن می‌کند و تمام امکانات بالفعل می‌شود، ولی اگر علاقه نباشد از استعدادهایشان استفاده نمی‌کنند.

هنر معطف بودن داشته باشیم و معلمی را شغلی  
غیر قابل تغییر نبینیم.

من معمولاً باتوجه به وقت اجازه می‌دهم بچه‌ها در  
پیچیده‌ترین مطالب به صورت پرسش و پاسخ مشارکت  
کنند. بگذاریم بچه‌ها کمی حرف بزنند!

### در آخر اگر مطلبی هست بفرمایید.

توصیه من به عزیزان هم‌کار این است که به یاد داشته باشند، کلاس فقط انتقال محتوای آموزشی نیست که همه با علاقه و آمادگی کامل، گوش کنند، نه! وقتی وارد کلاس می‌شوید تصور کنید وارد فضای زندگی شده‌اید. در حقیقت انسان هر کاری، به‌ویژه معلمی را باید زندگی کند، نه اینکه انجامش دهد. از بچه‌ها برای نحوه تدریس سوال کنیم، بعضی مواقع بچه‌ها چیزهایی می‌گویند که اصلاً به ذهنمان نمی‌رسد، از این استعدادهای استفاده کنیم. هنر معطف بودن داشته باشیم و معلمی را شغلی غیر قابل تغییر نبینیم.

### مدیران مدارس چه نقشی در دیده شدن تفاوت‌های فردی دارند؟

مدیر یک مدرسه مدیر تمام فرآیندهای جاری در مدرسه است و فقط کسی نیست که آدم‌ها را مدیریت کند، بلکه هر جا خلاء فرآیندها را دید، باید مدیریت کند. مدیر باید مساله تفاوت‌های فردی را به همه گوشزد و مراقبت کند که معلمین به آن توجه کنند. در جلسات، معلمان گزارش‌هایی در مورد تفاوت‌های فردی بچه‌ها بخوانند. وقتی به یک محیط آموزشی وارد می‌شویم باید ببینیم که آیا به تفاوت‌ها توجه شده یا نه؟ آیا برای دانش‌آموزانی که نمی‌توانند درست راه بروند، مسیر درست طراحی شده است؟ مدیر باید تمام این‌ها را مدیریت کند یعنی مدیر محیط آموزشی، مدیریت فضای آموزشی را برعهده دارد نه مدیریت آدم‌ها را. تفاوت مدیریت فضا و آدم‌ها را هنگام به ورود به کتابخانه و اینکه ناخودآگاه آرام می‌شویم، می‌توان فهمید، این یعنی مدیریت روانی و اجتماعی فضا.

مثلاً، مساجد و منابر یکی از جاهایی است که آموزش  
مردم را عهده‌دار هستند، می‌بینید از بچه ۲ ساله تا  
پیرمرد ۸۰ ساله نشسته‌اند و سخنران با همه این افراد با  
یک زبان صحبت می‌کند، و این یعنی حذف تفاوت‌های  
فردی. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: ما انبیا با مردم به اندازه  
عقلشان صحبت می‌کنیم.

آموزش آن‌ها نسبت به دخترها  
باید با تحرک بیشتری همراه شود  
یا می‌توان از تصویر استفاده کرد،  
زیرا آن‌ها از لحاظ بصری قوی‌تر  
هستند. مثلاً، در بیان موضوع  
تاریخی برای دخترها تنها کافی  
است، تعریف کنید تا با تصویرسازی  
خوبی که دارند؛ متوجه مطلب  
شوند. اما بهتر است به پسرها فیلم  
و تصویر نشان داد.